

عنوان مقاله: پاسخگویی در شبکه خطمشی عمومی

فرج‌اله رهنورد^۱ - طیبه بیاتی چالستری^۲ - حبیب‌اله طاهرپور کلانتری^۳ - عباس منوریان^۴

دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۳۰

چکیده:

شبکه‌های خطمشی شامل بازیگران دولتی و اجتماعی هستند که تعامل آنان با یکدیگر به شکل‌گیری یا اجرای خطمشی منجر می‌شود. یکی از خصوصیات شبکه‌ها این است که قدرت معمولاً پخش و در روابط میان بازیگران نهفته است. بنابراین، پاسخگویی در شبکه با مشکل مواجه می‌شود. از این رو پژوهش حاضر به دنبال ایجاد چارچوب نظری پاسخگویی در شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی است. به منظور انجام پژوهش از روش کیفی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگانی است که در حوزه خطمشی‌گذاری دارای دانش کافی و تجربه عملی هستند. طی مصاحبه با پانزده خبره به روش اشباع نظری، این نتیجه حاصل شد که در صورت استقرار حاکمیت شبکه‌ای در خطمشی‌گذاری، ضروری است سازوکارهای پاسخگویی فردی و جمعی در خصوص شبکه‌های خطمشی طراحی شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارتقای ظرفیت دولت، مطالبه‌گری شهروندان، و فشار جامعه مدنی از عوامل موثر بر استقرار پاسخگویی در شبکه‌های خطمشی است. در صورت پاسخگوشدن شبکه‌های خطمشی عمومی شاهد پیامدهایی همچون افزایش کیفیت فرآیند خطمشی‌گذاری عمومی، تقویت نشاط اجتماعی و تعالی سیاسی جامعه خواهیم بود.

کلیدواژه‌ها: پاسخگویی، شبکه خطمشی، ظرفیت دولت، جامعه مدنی، مطالبه‌گری شهروندان.

۱. دانشیار گروه مدیریت دولتی،
موسسه عالی آموزش و پژوهش
مدیریت و برنامه‌ریزی (نویسنده
مسئول).

frahnavard@imps.ac.ir

۲. دانشجوی رشته مدیریت دولتی و
خطمشی‌گذاری عمومی، موسسه
عالی آموزش و پژوهش مدیریت
و برنامه‌ریزی.

t.bayati@imps.ac.ir

۳. استادیار گروه مدیریت دولتی،
موسسه عالی آموزش و پژوهش
مدیریت و برنامه‌ریزی.

habtaherk@imps.ac.ir

۴. استاد گروه مدیریت دولتی،
دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
amonavar@ut.ac.ir

پاسخگویی یکی از مفاهیم طلایی است که هیچ کس آن را نفی نمی کند. هر کسی با هر دیدگاهی پیرامون ضرورت ارائه توضیح ذی نفعان، از سوی افراد دارای اختیار، در مورد چرایی تصمیم یا عدم تصمیم، موافق است. چرا که لازم است صاحبان قدرت به طور مستمر مورد نظارت قرار گیرند تا از سوءاستفاده از قدرت جلوگیری شود. با مطالعه مفهوم پاسخگویی آشکار است که پاسخگویی با توجه به دیدگاه های گوناگون، معانی مختلفی را در بر دارد. این مفهومی است که با فراوانی زیادی در گفتمان های سیاسی و اسناد خط مشی، مورد استفاده قرار می گیرد، چرا که تصویری از شفافیت و اعتماد را منتقل می کند. به علاوه، پاسخگویی، اغلب به منزله چتری مفهومی عمل می کند که مفاهیم متنوعی را که اغلب بسیار متناقض هستند پوشش می دهد. پاسخگویی فضیلتی سازمانی و شخصی محسوب می شود؛ به علاوه به مثابه سازوکاری اجتماعی در نظر گرفته می شود که برای مطالعه و بحث پیرامون حاکمیت دموکراتیک بسیار مفید است (Bovens, 2006).

در رویکردهای جدید حاکمیت این بحث مطرح است که دیگر دولت نمی تواند به عنوان تنها نقش آفرین در زمینه های مختلف امور جامعه ایفای نقش کند، در نتیجه مجبور است از اشکال جدید حاکمیت که مبتنی بر همکاری بخش های مختلف جامعه است بهره ببرد (Doberstein, 2016) و تصمیمات اتخاذ شده در زمینه خط مشی ها دیگر تنها مبتنی بر نظرات دولت نخواهند بود و افراد مختلفی با توجه به تخصص و تجربه ای که دارند مشارکت خواهند داشت و بدین شکل قدرت تصمیم گیری بین افراد حاکمیتی و غیرحاکمیتی تقسیم خواهد شد (Janssen & Van der, 2016). در نتیجه در اینجا مسئله ای که ظهور خواهد کرد این است که چه کسی باید در مقابل خط مشی های اتخاذ شده پاسخگو باشد و از چه روشی باید مسئولیت تصمیم گیری بر عهده تمام نقش آفرینان باشد و به درستی مورد پاسخگویی قرار گیرند (Armstrong & Francis, 2004). اهمیت مسئله پاسخگویی در حاکمیت از آن جهت است که، اگر دولتهایی که قدرت دارند در مورد اعمال، اشتباهات و تصمیم گیری های خود به مردم پاسخگو نباشند، دموکراسی و مردم سالاری در حد حرف و شعار باقی می ماند بنابراین، پاسخگویی عمومی به عنوان یک نهاد، مکمل مدیریت دولتی در یک حکومت دموکراتیک و مردم سالار است و دولت پاسخگو در یک جامعه شرایط جلب اعتماد عمومی شهروندان را فراهم کرده و در نهایت باعث افزایش مشارکت عمومی شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی از قبیل انتخابات خواهد شد (Gili, Jang & Meyer, 2006).

در ایران نیز شواهدی مبنی بر جهت‌گیری به سمت اشکال نوین حاکمیت به چشم می‌خورد، که به مواردی همچون تاکید بر کوچک‌سازی دولت، رقابت، برون‌سپاری وظایف دولت، خصوصی‌سازی و تاکید بر مشارکت مردم در امور مختلف جامعه می‌توان اشاره کرد. همچنین با توجه به گسترش وسایل ارتباطات جمعی و رسانه‌ها آگاهی مردم نسبت به مسائل مختلف افزایش یافته و سطح و نوع خدمات مورد تقاضای شهروندان بسیار متنوع و زیاد شده است (Cordella & Willcocks, 2010). تمام این مسائل نشان از حرکت تدریجی ایران به سمت اشکال نوین حاکمیت و تاکید بر مشارکت دارد که یکی از انواع این حاکمیت‌ها، حاکمیت شبکه‌ای است که بسیاری از کشورها ضرورت استقرار آن را پذیرفته‌اند.

همچنین سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور تجلی آرمان‌ها و اهداف مردمی است که حکومت جمهوری اسلامی در مقام مجری اراده عمومی مسئولیت تحقق آنها را برعهده دارد. بی‌تردید، تحقق این اهداف و آرمان‌ها بدون پیوند تنگاتنگ مردم و حکومت و تعریف سازوکارهای مشارکتی در حوزه‌های مختلف میسر نخواهد بود. یکی از زمینه‌های مشارکت مردمی، خطمشی‌گذاری عمومی است که امروزه در قالب شبکه‌های خطمشی نمود پیدا کرده است. تدوین سازوکار مناسب پاسخگویی از الزامات استقرار شبکه‌های خطمشی به شمار می‌آید که توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود معطوف ساخته است (Janssen & Van der, 2016).

هرچند پاسخگوساختن شبکه‌های خطمشی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است، اما اختلاف نظر قابل توجهی در این خصوص وجود دارد. به عنوان مثال، رودز^۱ (۱۹۹۵) هرچند مدیریت شبکه خطمشی را مورد توجه قرار داده است، اما در خصوص چگونگی پاسخگو نگه داشتن این شبکه‌ها ساکت است. شاید تنها استثنا به فیشکین^۲ (۱۹۹۱) برمی‌گردد که رای‌جویی روشنگرانه را به عنوان روشی برای پاسخگویی در شبکه‌های خطمشی مطرح ساخته است. با توجه به شکاف پژوهشی در زمینه پاسخگویی شبکه‌های خطمشی، و نبود پژوهشی در این زمینه در ایران، پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند در شفاف‌سازی ابعاد مختلف موضوع پاسخگویی در شبکه‌های خطمشی کارساز باشد. هدف اصلی از انجام این پژوهش تبیین الگوی پاسخگویی در شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی تحت شرایط زمینه‌ای ایران است.

1. Rhodes
2. Fishkin

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حاکمیت در مفهوم کلی عبارت از الگوی (سبک) وضع، کاربرد، و اعمال قواعد است. حاکمیت به چیزی وسیع‌تر از دولت دلالت دارد و چگونگی راهبری و قواعد بازی را مشخص می‌کند (Kjaer, 2008, 49-52). بنابراین، حاکمیت در زمینه‌های مختلفی نظیر حاکمیت سازمانی، حاکمیت پژوهشی، حاکمیت ملی، حاکمیت محلی و حاکمیت بین‌المللی به کار گرفته می‌شود. کوی‌مان^۱ (۱۹۹۳، ۴۳-۴۱) حکومت‌کردن را «همه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اداری بازیگرانی تعریف می‌کند که به ظاهر هدفمندانه می‌کوشند جامعه را هدایت، راهبری و کنترل یا اداره کنند» و حاکمیت را «الگوهایی می‌داند که از فعالیت‌های حکومتی بازیگران اجتماعی، سیاسی و اداری ناشی می‌شوند». بنابراین حکومت‌کردن متضمن یک فاعل (بازیگر) است حال آنکه حاکمیت نتیجه اقدامات انجام‌شده و خود یک سبک همکاری اجتماعی است. از نظر رودز (۱۹۹۶)، حاکمیت مدیریت شبکه‌هاست، و در سطح ملی الگوی حکومت‌کردن است. رودز (۱۹۹۷) قواعد مختلفی را معرفی می‌کند که با آنها می‌توان سه سبک حاکمیتی سلسله‌مراتبی، مبتنی بر بازار و شبکه‌ای را از یکدیگر تمیز داد. بازارها از طریق رقابت و قیمت‌ها عمل می‌کنند. سلسله‌مراتب از قدرت استفاده می‌کند و بر زنجیره فرماندهی و کنترل تاکید دارد. شبکه‌ها بر اساس معامله به مثل و اعتماد بنیان شده‌اند. صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که چون ابزارهای سلسله‌مراتبی سنتی در جامعه نوین از رده خارج شده‌اند و بازارها نیز غالباً با ناکامی روبه‌رو شده‌اند، حکومت‌ها برای خدمت‌رسانی باید به شبکه‌ها تکیه کنند. طبق نظر رودز: «حاکمیت که شبکه‌ای خودسازمانده است به اندازه بازار و سلسله‌مراتب، نوع مشخصی از ساختار نظارتی را دارد. چالش کلیدی برای حکومت، توانمندساختن این شبکه‌ها و جست‌وجوی اشکال جدید همکاری است. شرکت در بازی کار مشترک، تعدیل دوجانبه و شبکه‌سازی، مهارت‌های جدید مدیریت دولتی هستند» (Rhodes, 1996, 666).

بنابراین طبق این دیدگاه، حکومت ناچار است کاهش توان راهبری خود را بپذیرد و بیاموزد که چگونه می‌تواند غیرمستقیم، شبکه‌ها را به نحوی مدیریت کند که آنها توانایی خدمت‌رسانی کارآمد را به دست آورند. مدیران دولتی باید هنر شبکه‌سازی و مشارکت در شبکه‌ها را بیاموزند به جای آنکه بکوشند موقعیت خود را در جایگاه بالاتر یا خارج از شبکه‌ها حفظ کنند (Kjaer, 2008, 49-52). همراه با شکل‌گیری شبکه‌ها مسئله‌ای که مطرح می‌شود، چگونگی پاسخگویی آنهاست. انواع

1. Kooiman

سازوکارهای سنتی پاسخگویی به تنهایی قادر به تبیین پاسخگویی در این شبکه‌ها نخواهند بود (Gong & Janssen, 2012). پاسخگویی یکی از ابزارهای اصلی مبارزه با فساد محسوب می‌شود. در این راستا افزایش و تقویت سازوکارهای پاسخگویی به‌عنوان راهکاری عملی در راهبردهای مقابله با فساد مورد توجه حکومت‌ها قرار گرفته است. با توجه به مطالب بیان‌شده این امر مشخص است که پاسخگویی امری ضروری و متغیری اثرگذار بر سایر ابعاد حاکمیت شبکه‌ای است و در نتیجه مطالعه و تبیین آن امری ضروری است.

مفهوم پاسخگویی و انواع آن

پاسخگویی عبارت است از رابطه بین یک نقش‌آفرین^۱ و یک مجمع^۲ که در آن نقش‌آفرین ملزم به توضیح و توجیه رفتار خود است. مجمع پاسخگویی ممکن است پرسش‌هایی را مطرح ساخته و در مسند قضاوت بنشیند، و نقش‌آفرین ممکن است با پیامدهایی مواجه شود (Bovens, 2007). باونز^۳ در مدل خود بر اساس مولفه‌های مختلف به بیان انواع مختلف پاسخگویی پرداخته است و بر اساس ماهیت مجمع (پاسخگویی در مقابل به کسانی)، نقش‌آفرین (پاسخ‌خواهی از چه کسانی)، فعالیت (ماهیت و نوع فعالیت) و تکلیف (میزان اجبار فرد به پاسخگویی)، انواع مختلف پاسخگویی را مطرح کرده است:

- انواع پاسخگویی بر اساس ماهیت مجمع، مشکل وجود چشم‌های متعدد: سیاسی، قانونی، اداری، اجتماعی و حرفه‌ای
- انواع پاسخگویی بر اساس ماهیت نقش‌آفرین، مشکل وجود دست‌های متعدد: شرکتی، عمومی، جمعی و فردی
- انواع پاسخگویی بر اساس ماهیت فعالیت: مالی، رویه‌ای و تولیدی
- انواع پاسخگویی بر اساس ماهیت تکلیف: پاسخگویی عمومی، قطری و افقی.

عوامل موثر بر پاسخگویی در حاکمیت شبکه‌ای

در خصوص پاسخگویی در شبکه‌های خط‌مشی عمومی پژوهش‌های اندکی انجام شده است و در جدول (۱) به نتایج حاصل از آنها اشاره شده است:

-
1. Actor
 2. Forum
 3. Bovens

جدول ۱: پیشینه مرتبط با پاسخگویی در حاکمیت شبکه‌ای

ردیف	نام پژوهشگر	سال	بیان مختصر پژوهش و نتایج حاصل
			پاسخگویی در حاکمیت شبکه‌ای دارای ماهیت چندبعدی و متفاوت از سیستم‌های سنتی است و عوامل زیر بر پاسخگویی در شبکه‌ها موثر هستند: - وجود سیستم‌های کثرت‌گرای پاسخگویی - شفافیت - پاسخگویی مالی نقش‌آفرینان - وجود هنجارها و استانداردها و لزوم رعایت آنها - وجود اهداف مشترک - وجود اصول راهنما برای نحوه همکاری و تصمیم‌گیری - در دسترس بودن گسترده اطلاعات برای تمام اعضا
۱	Benner et al.	۲۰۰۴	در پژوهش خود پاسخگویی‌های قابل طرح در حاکمیت شبکه‌ای مطرح کردند: - پاسخگویی دموکراتیک: نمایندگان منتخب، شهروندان و قانون - پاسخگویی بازار: سهامداران و مشتریان - پاسخگویی اجرایی: بوروکراتیک، حرفه‌ای و مشارکتی
۲	Koliba & Zia	۲۰۱۱	عوامل موثر بر پاسخگویی غیررسمی در شبکه‌ها عبارتند از: - انتظارات اعضاء از یکدیگر - هنجارهای مشترک و اعتماد
۳	Romzek et al.	۲۰۰۹	- رفتارهای تسهیل‌کننده شامل: روابط مکرر و پایدار، پیگیری بر اساس تعهدات، به اشتراک گذاشتن اطلاعات،... و پذیرش مسئولیت اشتباهات
۴	Doberstein	۲۰۱۳	پاسخگویی و مشروعیت در حاکمیت شبکه‌ای نیازمند ترکیب کاملی از سازوکارهای پاسخگویی عمودی، افقی و اجتماعی است و شبکه‌ها باید از طریق بوروکرات‌ها و سازوکار فراحاکمیت پاسخگو نگه داشته شوند. در حاکمیت شبکه‌ای پاسخگویی بر چهار بُعد اساسی استوار است: - تعامل‌های معتبر - استفاده از سازوکارها و رویکردهای تشویقی برای پاسخگویی به جای تنبیهی - وجود سازوکارهای پاسخگویی سلسله‌مراتبی در بخش دولتی - موقعیت کارگزاری و پیونددهی نقش مهمی در نگهداری و ایجاد روابط ایفا می‌کند.
۵	Jedd & Bixler	۲۰۱۵	- عدم جایگزینی پاسخگویی‌های سنتی به صورت کامل از طریق پاسخگویی داوطلبانه عوامل اثرگذار بر پاسخگویی عبارتند از: - ایجاد چشم‌انداز و اهداف جمعی - تعامل مبتنی بر هدف و معنادار اعضای شبکه

با توجه به جدول (۱) می‌توان گفت، برخی از یافته‌های پژوهش ناظر بر عوامل علی‌تاثیرگذار،

برخی دیگر شرایط زمینه‌ای یا مداخله‌گر و بالاخره دیگر یافته‌ها ناظر بر راهبردهای پیاده‌سازی پاسخگویی در شبکه‌هاست.

برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه پاسخگویی در شبکه‌های خطمشی به‌صورت خلاصه در ادامه توضیح داده شده است:

دوبراستاین^۱ (۲۰۱۳) به بررسی شبکه‌های حاکمیت از منظر فراحاکمیت در کانادا پرداخته است. در این پژوهش پاسخگویی در حاکمیت شبکه‌ای با استفاده از لنز فراحاکمیت به بهترین نحو از طریق پاسخگویی عمودی توصیف می‌شود. آنها در پژوهششان به این نتایج دست یافتند: اولین، الگوی غالب برای فراحاکمیت شبکه‌ها در کانادا، روش مبتنی بر اداره مستقیم ایالت است. دومین، مشوق‌های مالی ابزارهای قدرتمندی برای در کنار هم قراردادن نقش‌آفرینان جدای از هم هستند و به همکاری ثبات می‌بخشند اما در عین حال اختیار تصمیم‌گیری واقعی ابزار قدرتمند ماندگاری برای شبکه‌هاست. سومین، زمانی که در آرایش‌های حاکمیت، بوروکرات‌ها نقش فراحاکمان را برعهده دارند نسبت به زمانی که ادارات منتخب این وظیفه را برعهده دارند، به‌نظر می‌رسد که اثربخش‌ترین حالت برای دستیابی به تعادل بین فراحاکمان و شبکه‌های خطمشی باشد. پاسخگویی و مشروعیت در حاکمیت شبکه‌ای نیازمند ترکیب کاملی از سازوکارهای پاسخگویی عمودی، افقی و اجتماعی است (Doberstein, 2013).

فراحاکمیت بدین شکل قابل تعریف خواهد بود: تلاش‌هایی که در جهت توسعه و بهبود عملکرد شبکه است. اعضای شبکه به خطمشی‌گذاران، مجریان و سایر فراحاکمان مرتبط اجازه می‌دهند، که فرآیند تصمیم‌گیری، اجرا و تعیین دستور کار شبکه را تحت‌تاثیر قرار دهند (وجود نوعی نیروی برتر در شبکه). از این طریق، خطمشی‌گذاران و مجریان می‌توانند منابع نقش‌آفرینان را انتقال دهند، انطباق متقابل را تسهیل کرده و اعتمادسازی کنند. روش‌هایی که در این زمینه به‌کار برده می‌شود، شامل طراحی شبکه، با هدف تاثیرگذاری بر قواعد بازی در شبکه، و شکل‌گیری شبکه، با هدف شکل‌دهی به چارچوب گفتمانی شبکه و مدیریت شبکه، با هدف فعال ساختن و تشویق اعضا و استفاده از تکنیک‌های حل تعارض است (Sorensen & Torfing, 2005).

در پژوهشی دیگر، کویلا و ضیا^۲ به بررسی پاسخگویی در حاکمیت شبکه‌ای از طریق بررسی موردی طوفان کاترینا^۳ در سال ۲۰۰۵ پرداختند. نتایجی بدین شرح از پژوهش‌های آنها به‌دست آمده است:

1. Doberstein
2. Kobilá & Zia
3. Hurricane Katrina

- به منظور ایجاد پاسخگویی در شبکه خطمشی نیاز است که بین اعضای شبکه اعتماد وجود داشته باشد و این اعتماد از طریق روابط پایدار و مدت‌دار بین اعضا ایجاد می‌شود.
- در حاکمیت شبکه‌ای نیاز است از چندین الگوی پاسخگویی افقی و عمودی به‌صورت همزمان استفاده شود.
- دولت به‌عنوان رهبر در شبکه نوعی سلسله‌مراتب اختیارات تعیین می‌کند و بر این اساس افراد نسبت به بالادستان خود پاسخگو خواهند بود.
- وجود استانداردهای ضمنی و غیرضمنی جهت ارزیابی عملکرد ضروری است. همچنین وجود تعهدات متقابل و هنجارهای غیراجباری جهت ایجاد پاسخگویی در شبکه‌های خطمشی ضروری است.
- حضور تمام ذی‌نفعان مسئله‌موردنظر در شبکه خطمشی و دسترسی آزادانه به اطلاعات مرتبط با شبکه خطمشی، پاسخگویی در شبکه‌های خطمشی ایجاد خواهد شد.
- حضور افراد متخصص در شبکه و ایجاد روابط بین آنها و سایر اعضای شبکه امکان برقراری پاسخگویی متخصصان را فراهم می‌آورد.
- برقراری سیستم پاسخگویی در حاکمیت شبکه‌ای موجب مشروعیت‌بخشی به آن و بهبود در ارائه کالا و خدمات می‌شود.

الگوی مفهومی پژوهش

با توجه به این موضوع که ادبیات نظری موجود در خصوص پاسخگویی ناظر بر پاسخگویی سازمانی و اجتماعی است و کار پژوهش‌های کمی در زمینه پاسخگویی در شبکه خطمشی عمومی انجام نشده است، رسم الگوی مفهومی پژوهش در این مرحله امکان‌پذیر نیست.

توسعه فرضیه‌ها و مدل مفهومی

روش‌شناسی

کراسول^۱ (۲۰۱۲) معتقد است زمانی که پژوهشگر با تنوع مفاهیم، پیچیده و پنهان بودن مقوله‌ها و متغیرهای مرتبط با هر مقوله و روابط بین آنها در یک پژوهش روبه‌رو است، نیازمند روشی است تا با استفاده از آن بدون آنکه پیچیدگی‌های موجود و زمینه‌ها را دستکاری کند نسبت

1. Creswell

به ساده کردن و مدیریت داده‌ها اقدام کند. در این رویکرد که مبتنی بر فرآیند استقرا است، پژوهش را هرگز از یک نظریه شروع نمی‌کنند و سپس آن را به اثبات برسانند، بلکه پژوهش از یک دوره مطالعاتی شروع می‌شود و فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مربوط به آن است خود را نشان دهد. به همین دلیل این رویکرد نسبت به نظریه‌هایی که از نظریه موجود اقتباس و تطبیق داده شده است، تبیین بهتری نسبت به موضوع مورد مطالعه ارائه خواهد داد (Lee, 2001, 49). از این رو در این پژوهش از روش تئوری پردازی داده‌بنیان استفاده شده است. در این پژوهش برای دستیابی به الگوی فرآیندی مراحل زیر طی می‌شود: (۱) نمونه‌گیری نظری؛ (۲) گردآوری داده‌ها؛ (۳) نظم‌دهی و تحلیل داده‌ها؛ (۴) شکل‌گیری تئوری و الگوسازی؛ (۵) آزمون نظریه.

نمونه‌گیری نظری

از آنجا که در این پژوهش به دنبال ساختن نظریه و الگویی بر اساس داده‌های گردآوری شده هستیم راهبرد نمونه‌گیری نظری انتخاب شده است. در این راهبرد نمونه‌ها پس از تجزیه و تحلیل نمونه قبلی انتخاب و پژوهشگر از طیف افراد بالقوه کسانی را برای مصاحبه و گردآوری داده‌ها انتخاب می‌کند، که امکان غنی‌سازی خزانه داده‌ها، تکمیل و اشباع مفاهیم را داشته باشند و نمونه زمانی گسترش می‌یابد که یافته‌های جدیدی به دست آمده باشد و تا زمانی که داده‌های جدید در فرآیند قابل دسترس باشد، نمونه‌برداری ادامه می‌یابد و وقتی دیگر اندیشه جدیدی عرضه نشود و به اشباع نظری دست یابیم، فرآیند نمونه‌برداری خاتمه می‌یابد (Jones & Allony, 2011). در راهبرد نمونه‌برداری نظری لازم است که پژوهشگر برای به کارگیری یک نمونه خاص توجیهی شفاهی داشته باشد، بنابراین برای تحقق این منظور روشی که می‌توان استفاده کرد یافتن افراد واجد شرایط و دارای اطلاعات کافی و اندیشه‌های ارزشمند از سوی یک شرکت‌کننده قبلی است که به روش نمونه‌گیری گلوله برفی یا ارجاعی زنجیره‌ای معروف است (Frank & Snijders, 1994). از این روش زمانی که تشخیص نمونه‌های حائز شرایط دشوار یا نمونه‌ها ناشناس و گمنام هستند استفاده می‌شود (Heckathorn, 1997).

جدول ۲: آمارهای جمعیت‌شناختی خبرگان

کد خبره	جنسیت	سن	تخصص	مسئولیت	تجربه
۱	مرد	۶۲	مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری	عضو هیات‌علمی / مدیر گروه	۲۷
۲	مرد	۳۶	مدیریت دولتی	عضو هیات‌علمی	۶
۳	مرد	۵۷	مدیریت دولتی	عضو هیات‌علمی	۲۸
۴	مرد	۵۲	علوم سیاسی گرایش خط‌مشی‌گذاری	عضو هیات‌علمی / نهاد ریاست جمهوری	۲۳
۵	مرد	۴۹	مدیریت دولتی	عضو هیات‌علمی	۲۰
۶	مرد	۵۶	مدیریت دولتی	عضو هیات‌علمی / معاون گروه	۲۶
۷	مرد	۷۴	مدیریت	نماینده سابق مجلس / مدیرعامل موسسه پژوهشی	۳۸
۸	مرد	۶۲	مدیریت	نماینده سابق مجلس / سردبیر مجله	۳۳
۹	مرد	۴۲	مدیریت دولتی	عضو هیات‌علمی	۱۷
۱۰	مرد	۴۵	مدیریت دولتی	عضو هیات‌علمی / معاون پژوهشی	۱۸
۱۱	مرد	۴۳	مدیریت دولتی	عضو هیات‌علمی / معاون پژوهشی مرکز	۱۸
۱۲	مرد	۳۶	مدیریت دولتی	معاون پژوهشی مرکز	۱۱
۱۳	مرد	۷۳	مدیریت صنعتی	عضو هیات رئیسه مجمع استناداران	۳۸
۱۴	مرد	۶۲	مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری	عضو هیات‌علمی	۲۶
۱۵	مرد	۷۲	مدیریت دولتی	عضو هیات‌علمی / معاونت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام	۲۷

جمع‌آوری داده

ابزار اصلی مورد استفاده برای تدوین الگوی فرآیندی در این پژوهش، مصاحبه است. جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگانی است که از سویی، دانش کافی در خصوص مباحث مدیریت دولتی به‌خصوص مباحث خط‌مشی‌گذاری داشته باشند و از سوی دیگر تجربه عملی و آشنایی لازم با فضای خط‌مشی‌گذاری و پاسخگویی کشور را داشته باشند. در ابتدای هر مصاحبه ابتدا توضیحاتی در خصوص موضوع موردنظر داده می‌شد و پس از اطمینان از روشن‌بودن موضوع برای خبره موردنظر، پرسش‌ها پرسیده شده است. پس از هر مصاحبه بر اساس روش نمونه‌گیری نظری گلوله برفی، از مصاحبه‌شونده خواسته می‌شد تا افرادی را که از نظر آنها اشراف کامل به موضوع

دارند معرفی کنند و سپس سابقه علمی و تجربی افراد بررسی و مصاحبه با آنها ترتیب داده می‌شد. گردآوری اطلاعات از اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ آغاز شد و تا مهر ۱۳۹۶ ادامه یافت. در این پژوهش با پانزده خبره مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام شد که از مصاحبه سیزدهم به بعد، تکرار در اطلاعات مشاهده شد، اما برای اطمینان، انجام مصاحبه‌ها تا پانزدهمین خبره ادامه یافت. مدت زمان هر مصاحبه به‌طور متوسط یک ساعت بود. تمام مصاحبه‌ها ضبط شدند و برای استخراج کدهای اولیه بر روی کاغذ پیاده شد و تنها در یک مصاحبه به دلیل مسائل امنیتی امکان ضبط مصاحبه مقدور نشد و توسط پژوهشگر در زمان مصاحبه بر روی کاغذ ثبت شد.

جدول ۳: راهنمای مصاحبه نیمه ساختاریافته

پرسش‌های اصلی	پرسش‌های تکمیلی
ابعاد، انواع، و سازوکارهای پاسخگویی در حاکمیت شبکه‌ای کدام‌اند؟	* پاسخگویی در شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی را چگونه تعریف می‌کنید؟ * انواع پاسخگویی‌های قابل طرح در شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی کدام هستند؟ * از طریق چه متغیرهایی می‌توان میزان پاسخگویی شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی را مورد سنجش قرار داد؟
عوامل علی موثر بر پاسخگویی در حاکمیت شبکه‌ای کدام‌اند؟	* چه عواملی موجب شکل‌گیری شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی می‌شوند؟ * به نظر شما چه عواملی بر پاسخگوشدن شبکه‌های خطمشی اثرگذارند؟ * به نظر جنابعالی عوامل قانونی، جامعه مدنی و رسانه‌ها در این بین چه نقشی ایفا می‌کنند؟
عوامل زمینه‌ای موثر بر پاسخگویی در حاکمیت شبکه‌ای کدام‌اند؟	* به نظر جنابعالی چه عوامل زمینه‌ای بر پاسخگوسازی شبکه‌های خطمشی اثر دارند؟ * به نظر جنابعالی عوامل فرهنگی و اجتماعی بر پاسخگوسازی شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی اثرگذارند؟
عوامل واسطه‌ای موثر بر پاسخگویی در حاکمیت شبکه‌ای کدام‌اند؟	* به نظر جنابعالی عوامل اقتصادی بر پاسخگوشدن شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی اثرگذارند؟ * به نظر جنابعالی چه عواملی به عنوان مداخله‌گر در رابطه بین عوامل علی بیان‌شده توسط جنابعالی و پاسخگوشدن شبکه‌ها ایفای نقش می‌کنند؟
راهبردهای پیاده‌سازی پاسخگویی در حاکمیت شبکه‌ای کدام‌اند؟	* به نظر جنابعالی چه سازوکارهایی برای پاسخگوسازی شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی وجود دارد؟
پیامدهای پیاده‌سازی پاسخگویی در حاکمیت شبکه‌ای کدام‌اند؟	* در صورت پاسخگوشدن شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی چه پیامدهایی پاسخگویی در حاکمیت در سطوح مختلف از جمله فرآیند خطمشی‌گذاری، رابطه بین دولت و مردم و غیره به دنبال خواهند داشت؟

نظم‌دهی و تحلیل داده‌ها

کدگذاری، اساس فرآیند تحلیلی در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد از سه نوع کدگذاری استفاده می‌شود؛ کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (Straus & Corbin, 1990).

الف) کدگذاری باز^۱

کدگذاری باز یک فرآیند تفسیری است که به وسیله تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام می‌پذیرد. هدف این فرآیند این است که در ذهن تحلیلگر بینش جدیدی را از طریق تفسیر پدیده‌ها ایجاد کند. در کدگذاری باز اتفاقات/ کنش‌ها/ تعاملات با یکدیگر مقایسه می‌شوند تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها مشخص شود و در نهایت یک مشخصه مفهومی به خود گیرند. در این مسیر اتفاقات/ کنش‌ها/ تعاملات مشابه در دسته‌های مفهومی گروه‌بندی می‌شوند تا مقولات و زیرمقولات ایجاد شوند (Straus & Corbin, 1990). در این پژوهش ابتدا تمامی مصاحبه‌ها به شکل کامل و بدون انحراف به شکل نوشتار تهیه و بر روی کاغذ پیاده شد. پس از آن با کدگذاری تمامی عبارت‌ها از مجموع ۱۵ مصاحبه صورت پذیرفته، ۱۱۹۸ عبارت استخراج شد. پژوهشگر در حین بررسی با ۳۰۷ عبارت نامربوط به موضوع مورد بحث یا تکراری روبه‌رو شد که با حذف تمامی آنها از فرآیند کدگذاری، ۸۹۱ کد اولیه در اختیار قرار گرفت. در ادامه داده‌های گردآوری شده از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفتند و مفاهیم مستتر در آنها شناسایی شدند. همچنین بر اساس دسته‌بندی‌های به دست آمده و بار مفهومی هر یک از دسته‌ها، به نام‌گذاری مفاهیم و تبدیل آنها به کوچک‌ترین اجزای مفهومی ممکن پرداخته شد. در مجموع ۳۵۷ مفهوم اولیه از داده‌های موجود استخراج شد. با توجه به اینکه مفاهیم متنوعی از داده‌ها استخراج شده بود و دسته‌بندی آنها در تعداد قابل بررسی، ممکن نبود، کدگذاری باز در سطح مفاهیم برای بار دوم به انجام رسید. در این مرحله پژوهشگر از ۳۵۷ مفهوم اولیه به ۵۶ مفهوم ثانویه دست یافت و در مرحله آخر از مجموع ۵۶ مفهوم ثانویه ۲۲ مقوله استخراج شد.

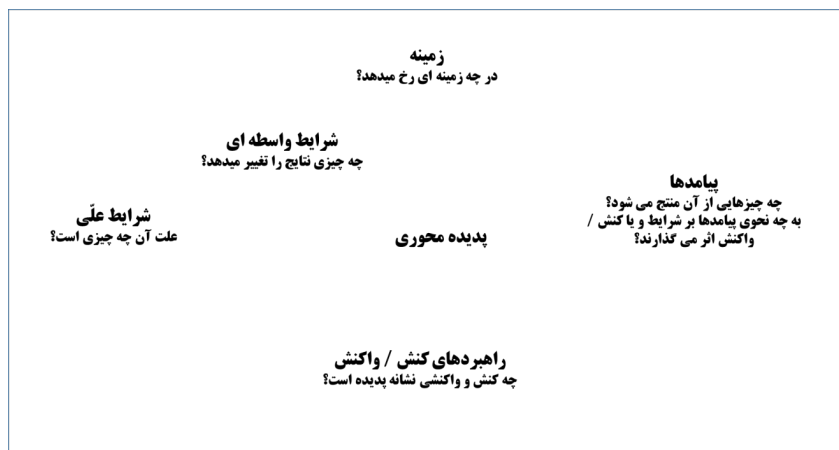
جدول ۴: تعداد کدهای اولیه، ثانویه، مفاهیم و مقولات

عبارت	کد اولیه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	مقوله
۱۱۹۸	۸۹۱	۳۵۷	۵۶	۲۲

1. Open Coding

ب) کدگذاری محوری^۱

در کدگذاری محوری از طریق پیوند بین یک مقوله و زیرمقوله‌های آن، داده‌ها را به هم پیوند می‌دهند. بدین ترتیب، کدگذاری محوری اشاره به فرآیند شکل‌دهی مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی دارد. از طریق پارادایم کدگذاری شرایط، زمینه‌ها، راهبردها (کنش / تعامل) و پیامدها، مقولات فرعی به مقولات اصلی مرتبط می‌شوند. این پارادایم تفاوتی با طرح‌هایی که در انواع دیگر پژوهش‌های کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ندارد ولی در مطالعات نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به شکل هماهنگ‌تری مورد استفاده قرار می‌گیرد (Straus & Corbin, 1990). در این شیوه کدگذاری، به‌منظور کمک به پژوهشگر برای نظم‌بخشیدن به داده‌های استخراج‌شده از نمونه آماری و تعیین فرآیند و مسیر ایجاد تئوری، پارادایم‌های کدگذاری ارائه شده‌اند. در این مرحله پژوهشگر می‌تواند از پارادایم‌های کدگذاری مختلفی برای تسهیل شناسایی ارتباط میان مقولات استفاده کند، ولی پژوهشگر باید در میان طرح‌های موجود، طرحی را انتخاب کند که تصویر معتبرتری از تئوری ارائه کند (Straus & Corbin, 1990). در این پژوهش از پارادایم کدگذاری کنش / شرایط استراوس و کوربین استفاده شد.



شکل ۱: پارادایم کدگذاری کنش / شرایط استراوس و کوربین (Lock, 2003)

وظیفه پژوهشگر در این مرحله دسته‌بندی و مقایسه عناوین استخراج‌شده از داده‌هاست. پس از

1. Axial Coding

مرحله اول پژوهشگر خود را با انبوهی از داده‌های خام روبه‌رو می‌بیند که چندان به هم ربطی ندارند اما با بررسی‌های بیشتر پیوندهای نامرئی هویدا خواهد شد. با مقایسه مفاهیم مختلف می‌توان زمینه‌های مشترک را میان آنها کشف کرد که امکان طبقه‌بندی مفاهیم مشابه را در قالب‌های فوق فراهم می‌کند (Roman et al., 2017). در پارادایم کدگذاری اشتراوس و کوربین: ۱. شرایط علی مقوله‌های مربوط به شرایط تاثیرگذار بر پدیده محوری هستند؛ ۲. زمینه‌ها، شرایط خاصی هستند که بر پدیده محوری تاثیر می‌گذارند؛ ۳. پدیده محوری، یک صورت ذهنی از پدیده‌ای است که اساس فرآیند است. پدیده محوری نشان‌دهنده مفهوم مرکزی پژوهش است که با پرسیدن پرسش‌هایی از قبیل: ایده تحلیلی اصلی در این پژوهش چیست؟ اگر یافته‌های پژوهش را بخواهیم در چند جمله مفهوم‌سازی کنیم، چه باید بگوییم؟ همه کنش‌ها و تعاملات نشأت گرفته از آن، چه چیزهایی هستند؟ پژوهشگر چگونه می‌تواند تنوع مشاهده‌شده میان مقولات را توضیح دهد؟، شناسایی می‌شود (Straus & Corbin, 1990)؛ ۴. شرایط واسطه‌ای، شرایط زمینه‌ای عمومی هستند که بر اثر تغییر در علت‌ها تغییر می‌یابند و بر پدیده محوری موثر هستند؛ ۵. راهبردها بیانگر کنش/تعاملاتی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شوند (Lock, 2003). در حقیقت پژوهشگر باید مشخص کند که با تغییر شرایط چه کنش‌هایی ایجاد می‌شود (Straus & Corbin, 1990)؛ ۶. پیامدها مقوله‌هایی هستند که در اثر تحقق کنش‌ها و تعاملات ایجاد می‌شوند. در این پژوهش جهت طراحی الگوی پاسخگویی شبکه‌های تدوین خط‌مشی عمومی به شناسایی ویژگی‌های پاسخگویی در شبکه‌های تدوین خط‌مشی عمومی به عنوان پدیده محوری، عوامل علی، شرایط واسطه‌ای و عوامل زمینه‌ای موثر بر پاسخگویی شبکه‌های تدوین خط‌مشی عمومی، راهبردها و پیامدهای پاسخگویی شبکه‌های تدوین خط‌مشی عمومی می‌پردازیم.

ارزیابی اتکاپذیری یافته‌ها

طراحی روش‌شناسی و طرح تحقیق این پژوهش به نحوی است که بتواند داده‌ها و تفسیرهایی مناسب و موثق را برای پاسخگویی در شبکه‌های تدوین خط‌مشی عمومی ارائه دهد. جدول (۴-۳) خلاصه‌ای از معیارهای سنجش کفایت فرایند پژوهش و کیفیت داده‌ها و تفسیرها را نشان می‌دهد. به تبعیت از فلینت^۱ (۲۰۰۲)، برای ارزیابی قابل اتکابودن داده‌ها و تفسیرها، ترکیبی از معیارهای مورد استفاده در ارزیابی پژوهش‌های تفسیری و پژوهش‌های مبتنی بر روش‌شناسی نظریه‌برخاسته از داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. در این خصوص، معیارهای پژوهش‌های تفسیری شامل اعتمادپذیری،

1. Flint

انتقال‌پذیری، اتکاپذیری، تصدیق‌پذیری، راستی (Lincoln & Guba, 1985) و معیارهای نظریه برخاسته از داده‌ها شامل تطابق، فهم‌پذیری، عمومیت و کنترل‌پذیری (Straus & Corbin, 1998) است.

در این پژوهش به‌منظور حصول اطمینان از قابلیت اتکاپذیری یافته‌های پژوهش، فرآیند پژوهش بدین‌شرح هدایت شد:

- شش ماه هدایت مصاحبه‌ها
- نمونه‌گیری تتوریک و هدفمند، مصاحبه‌ها به‌صورت حرفه‌ای، بی‌نام و در فضایی دوستانه و به دور از فشار یا تهدید انجام گرفت.
- ارسال خلاصه‌ای از طرح تحقیقی پژوهش به‌منظور آماده‌بودن ذهن مصاحبه‌شونده.
- بررسی چندین‌باره پرسش‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به‌منظور شفاف‌بودن پرسش‌ها و بازبودن مصاحبه‌ها و اختصاص زمان کافی به آنها پرده از ماهیت پیچیده پدیده مورد بررسی برداشت.
- اطمینان‌یافتن از فهم درست از جواب‌های مصاحبه‌شونده از طریق پرسش‌های تکمیلی و دریافت تایید در مواردی که جواب در وهله نخست شفاف نبوده است.
- دقت پژوهشگر و مرور مجدد مصاحبه‌های پیاده‌شده روی کاغذ و ارزیابی تفسیرهای صورت‌گرفته از سوی پژوهشگر و استاد راهنما.
- اطلاعات ارائه‌شده در مورد بستر پدیده تحت بررسی، شرکت‌کنندگان در پژوهش و مفروضات پژوهش چنان کافی است که خواننده می‌تواند امکان انتقال‌پذیری یافته‌ها به موقعیت‌های مشابه دیگر را مورد ارزیابی قرار دهد.
- پژوهشگر با ارائه خلاصه‌ای کلی از الگوی صورت‌بندی‌شده به سه تن از مصاحبه‌شوندگان، نظر آنها را جویا شد.

● بررسی و پالایش نظریه صورت‌بندی‌شده با چند نفر از خبرگان.

در نتیجه این اقدامات می‌توان گفت پژوهش حاضر از اعتمادپذیری کافی برخوردار است و نتایج حاصل از پژوهش نماینده داده‌های پژوهش هستند. همچنین انجام مصاحبه‌ها به‌صورت عمیق و در فضایی دوستانه و به تعداد کافی همراه با مرور چندین‌باره مصاحبه‌ها و به اشتراک گذاشتن آن با مصاحبه‌شوندگان موجب شده است تا پژوهش از راستی، تصدیق‌پذیری، تطابق و فهم‌پذیری کافی برخوردار باشد و در نهایت می‌توان گفت نتایج حاصل از پژوهش حاضر از اتکاپذیری کافی برخوردار است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

مفهوم پردازی پاسخگویی در شبکه خطمشی

در مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان سعی شد تا مفهوم پردازی و تعریف پاسخگویی در شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی و انواع پاسخگویی در این شبکه‌ها احصا شود. تعریف ارائه شده از سوی باونز به عنوان تعریف اولیه در نظر گرفته شد و سپس در مصاحبه‌ها به موشکافی پاسخگویی در شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی پرداخته شد و نتایج حاصل از مصاحبه‌ها بدین شرح احصا شد. از نظر خبرگان پاسخگویی در شبکه‌های خطمشی را می‌توان به دو نوع رسمی و غیررسمی تقسیم‌بندی کرد. پاسخگویی رسمی شامل انواع موجود پاسخگویی همانند سیاسی، قانونی، مدنی و... است که هم شبکه باید به عنوان یک نهاد رسمی به آنها پاسخگو باشد و هم اعضای شبکه لازم است که نسبت به آن به صورت فردی پاسخگو باشند. انواع پاسخگویی غیررسمی که در شبکه‌ها قابل طرح هستند از نگاه خبرگان شامل پاسخگویی حرفه‌ای به گروه همتایان (همچون انجمن‌های حرفه‌ای) و پاسخگویی شهرت و اعتبار، بدین معنی که فرد به منظور حفظ شهرت و اعتبار خود مراقب عملکرد خود در شبکه است و به منظور حفظ محبوبیت خود نسبت به افرادی که دارای قدرت قانونی نیستند، پاسخگو خواهد بود. همچنین همزمان با پیشرفت شبکه‌ها و رسمیت بخشی به آنها به عنوان روش خطمشی گذاری و حرکت به سوی جوامع خطمشی، تعداد اعضا کاهش یافته و این امر سبب می‌شود، همسویی بین اعضا افزایش یافته و همزمان ایجاد اهداف مشترک و همراستایی بین آنها موجب تقویت مسئولیت پذیری و پاسخگویی آنها خواهد شد.

همزمان با اینکه شبکه‌ها شکل می‌گیرند و ساخت یافتگی پیدا می‌کنند و به سمت تخصصی شدن حرکت می‌کنند پاسخگویی حرفه‌ای در این شبکه‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و لازم است که شبکه‌ها نسبت به انجمن‌های حرفه‌ای نسبت به عملکرد جمعی و فردی خود پاسخگو باشند. همچنین پاسخگویی شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی قابل تقسیم به دو نوع درونی و بیرونی نیز است. از سویی زمانی که شبکه‌ها شکل می‌گیرند نیاز است که به منظور شکل گیری هماهنگی و همکاری مسئولی در شبکه وجود داشته باشد و گاهی اعضای شبکه نیاز است که نسبت به عملکرد خود به این مسئول پاسخگو باشند؛ به عنوان مثال ممکن است عضوی در جلسات به صورت مستمر حاضر نشود یا با مطرح کردن مسائل حاشیه‌ای مانع بحث‌های جدی شبکه شود و این فرد ممکن است از سوی مدیر شبکه توبیخ یا حتی از شبکه اخراج شود. به این نوع پاسخگویی، پاسخگویی

درونی گفته می‌شود. نوع دیگری از پاسخگویی که در پاسخگویی درونی مطرح می‌شود پاسخگویی اعضا نسبت به یکدیگر است که به‌عنوان پاسخگویی مشارکتی که بیشتر مبتنی بر هنجارهای پذیرفته‌شده در گروه است شکل می‌گیرد. از سوی دیگر شبکه‌ها نسبت به ذی‌نفعان خود که به نمایندگی از آنها به عضویت شبکه درآمده‌اند و مراجع رسمی باید پاسخگو باشند و این نوع پاسخگویی، بیرونی نامیده می‌شود.

جدول ۵: مفهوم‌سازی پاسخگویی در شبکه خط‌مشی

مقوله‌ها	مفاهیم ثانویه	فراوانی مفاهیم اولیه	فراوانی کدهای اولیه
	وجود نیروی اجبار به پاسخگویی جمعی و فردی حاصل از نیروهای قانونی و هنجارهای ضمنی شکل‌گرفته در شبکه‌ها	۴	۹
مفهوم پاسخگویی	فضای شفاف اطلاعاتی به منظور اطلاع‌رسانی مستمر و دسترسی تمامی ذی‌نفعان به اطلاعات شبکه	۲۶	۵۹
	وجود معیارهای ارزیابی مشخص و تعیین‌شده از قبل به شکل قوانین و مقررات یا منشورهای اخلاقی	۱۱	۴۱
	وجود سازوکار نظارت و پایش	۸	۱۵
انواع پاسخگویی	پاسخگویی درونی: پاسخگویی به هم‌تایان، پاسخگویی به مسئول شبکه، پاسخگویی به نهاد بالادست	۴	۱۸
	پاسخگویی بیرونی: تمامی ذی‌نفعان بیرونی شبکه	۴	۱۸
	پاسخگویی رسمی: قانونی، سیاسی، بوروکراتیک و...	۷	۲۱
	پاسخگویی غیررسمی: حرفه‌ای، مشارکت و شهرت و اعتبار	۹	۲۲
سطح ساختاریافتگی شبکه‌های خط‌مشی	سطح بلوغ و توسعه شبکه‌ها	۳	۱۲
	میزان و درجه تخصصی‌بودن شبکه‌ها و حساسیت موضوع شبکه	۴	۹

با توجه به نتایج حاصل از مصاحبه‌ها، پاسخگویی در شبکه‌های خط‌مشی عمومی بدین شرح قابل تعریف است: الزام شبکه به‌عنوان یک موجودیت قانونی و اعضای آن نسبت به توضیح و توجیه اعمال و تصمیمات خود در مقابل مراجع قانونی و تمامی ذی‌نفعان آن و روبه‌روشدن با تنبیه به شکل رسمی و غیررسمی در صورت عدم توجیه و توضیح مناسب در خصوص تصمیمات اخذشده و با تخصصی‌شدن

و ساختاریافتگی شبکه‌ها، آنها به سمت جوامع خطامشی حرکت خواهند کرد و با توجه به هم‌ارز شدن واقعی اعضای شبکه، اهمیت اشکال غیررسمی پاسخگویی همچون حرفه‌ای، شهرت و مشارکتی که بیشتر مبتنی بر هنجارهای شکل گرفته در گروه هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

نتایج حاصل از کدگذاری باز و محوری

مقوله‌های احصا شده از نتایج مصاحبه با خبرگان در جدول (۶) منعکس شده است. همان‌طور که در جدول دیده می‌شود اتفاق نظر قابل ملاحظه‌ای بین خبرگان در مقوله‌های احصا شده دیده می‌شود.

جدول ۶: ماتریس کیفی مقوله‌ها

مقوله‌ها	کد خبره	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
زیرساخت‌های قانونی و الکترونیک	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
تعالی حاکمیتی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
فشار جامعه مدنی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
شهروندی فعالانه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
عوامل فرهنگی و اجتماعی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
درجه توسعه اقتصادی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
درجه آزادی رسانه‌ها	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
ظرفیت دولت	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
سازوکار شفافیت	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
سازوکار ارزشیابی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
نماینده‌گری تخصصی فراگیر	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
سازوکار نظارت و پایش	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
کیفیت خطامشی‌گذاری	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
نشاط اجتماعی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
تعالی سیاسی جامعه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
هدایت و مدیریت شبکه‌ها از سوی نهادهای دولتی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
برگزاری نشست‌های رای‌جویی روشن‌گرایانه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
نظارت جامع بر شبکه‌ها	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
تصمیم‌گیری باز و مشارکتی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

با در نظر گرفتن چارچوب اشتراوس و کوربین، مقولات و مفاهیم مرتبط با ابعاد مختلف چارچوب احصا شد که نتایج آن در جدول (۷) منعکس شده است.

جدول ۷: فراوانی مقولات و مفاهیم مرتبط بر حسب ابعاد مختلف چارچوب اشتراوس و کوربین

آب	مقوله‌ها	مفاهیم ثانویه	فراوانی مفاهیم اولیه	فراوانی کدهای اولیه
تربط علی	زیرساخت‌های قانونی و الکترونیک	زیرساخت‌های الکترونیک و فناوری اطلاعات	۸	۱۱
		زیرساخت‌های قانونی تاسیس و فعالیت شبکه‌ها	۲۴	۶۳
	تعالی حاکمیتی	تغییر در افکار حاکمان	۸	۲۱
		تغییر نقش دولت و کوچک‌سازی آن	۷	۲۲
تربط علی		میزان دموکراتیک‌بودن نظام سیاسی حاکم	۸	۲۵
		نقش فعال رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی و یکپارچه‌سازی ذی‌نفعان	۱۳	۳۷
	فشار جامعه مدنی	فشار احزاب سیاسی رقیب و تشکل‌های مردمی	۱۸	۳۲
		بلوغ سیاسی جامعه	۵	۸
زمینه		جامعه مدنی فعال و توانمند در زمینه مشارکت در مسائل جامعه	۱۵	۳۵
	شهروندی فعالانه	وجود شهروندان آگاه	۱۰	۲۷
		وجود شهروندان مطالبه‌گر	۱۲	۳۰
	درجه فرهنگ مشارکت و مطالبه‌گری جمعی	فقدان فرهنگ مشارکت و جمع‌گرایی	۱۳	۳۶
شرایط مداخله‌گر		میل به مطالبه‌گری در شهروندان و فرهنگ مطالبه‌گری	۶	۱۳
		باور به منافع جمعی	۷	۳۱
	درجه توسعه اقتصادی	وابستگی درآمدهای دولت به منابع طبیعی	۶	۲۰
		عدم برطرف‌شدن نیازهای اولیه اقتصادی	۳	۱۱
شرایط مداخله‌گر	درجه آزادی رسانه‌ها	وجود رسانه‌های آزاد و عدم سانسور اخبار	۷	۱۴
		عدم وابستگی رسانه‌ها به نهادهای دولتی	۳	۶
		ظرفیت نهادسازی	۷	۱۷
	ظرفیت دولت	ظرفیت راهبری	۶	۱۷
		ظرفیت تعمیق آگاهی شهروندان	۴	۸

ادامه جدول ۷: فراوانی مقولات و مفاهیم مرتبط بر حسب ابعاد مختلف چارچوب اشتراوس و کوربین

نقده	مقوله‌ها	مفاهیم ثانویه	فراوانی مفاهیم اولیه	فراوانی کدهای اولیه
پاسخگویی شبکه خط‌مشی	سازوکارهای شفافیت	اطلاع‌رسانی	۱۱	۲۳
		دسترسی به اطلاعات	۹	۲۰
	سازوکارهای ارزشیابی	روشن و مشخص بودن‌های خط‌مشی‌گذاری در شبکه	۶	۱۶
		تدوین خط‌مشی ارزشیابی شبکه‌های خط‌مشی	۵	۱۲
		تدوین معیارهای ارزیابی عملکرد	۶	۲۹
	نمایندگی تخصصی فراگیر	انتخاب اعضا بر مبنای ویژگی‌های فردی مناسب و توانایی‌های تخصصی موردنیاز شبکه	۷	۱۶
		حضور نمایندگان مورد تایید تمامی ذی‌نفعان شبکه	۵	۱۲
	نظارت و پایش	پیش‌بینی سیستم تشویق و تنبیه اعضای شبکه	۵	۹
		وجود ضمانت اجرایی اعمال تشویق و تنبیه	۳	۶
		پیش‌بینی سیستم رسمی و غیررسمی شکایت از شبکه‌ها	۵	۱۱
تجارب	کیفیت خط‌مشی‌گذاری	افزایش کیفیت خط‌مشی‌های تدوین شده	۶	۱۳
		افزایش احتمال اجرای درست خط‌مشی‌ها	۴	۷
	نشاط اجتماعی	افزایش اعتماد جامعه به حاکمیت	۹	۱۸
		رضایت مردمی	۴	۸
		ایجاد حس تعهد و پیوستگی در جامعه	۴	۱۱
	تعالی سیاسی جامعه	تقویت و شکل‌گیری مشارکت عمومی	۶	۹
		تعمیق دموکراسی	۶	۷
	هدایت و مدیریت شبکه‌ها از سوی نهادهای دولتی	ایفای نقش هدایت‌کننده از سوی دولت در مراحل ابتدایی شکل‌گیری شبکه‌ها	۵	۱۱
		لزوم شکل‌گیری شبکه‌ها مبتنی بر همکاری و مشارکت و نه سلسله‌مراتب	۲	۶
راهبردها / کنش و واکنش	برگزاری نشست‌های رای‌جویی‌روشن‌گرایانه	برگزاری جلسات جهت پرسش و پاسخ از شبکه‌ها	۳	۸
		بهره‌گیری از ظرفیت جامعه مدنی جهت نظارت بر شبکه‌ها	۲	۵
	نظارت جامع بر شبکه‌ها	ایجاد نهاد مستقل ناظر بر شبکه‌ها	۵	۱۰
		وجود سیستم دریافت بازخورد و اصلاح تصمیم‌ها در صورت نیاز	۷	۲۳
	تصمیم‌گیری باز و مشارکتی	تصمیم‌گیری مبتنی بر مبانی و اصول علمی	۶	۱۶
		ایجاد هنجارهای نحوه تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع حداکثری در شبکه‌ها	۵	۱۰

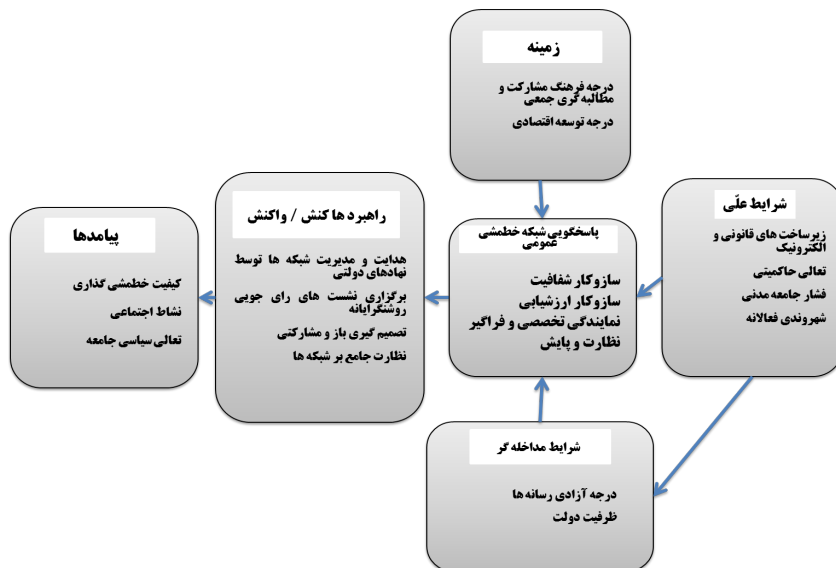
کدگذاری انتخابی^۱

کدگذاری انتخابی به عنوان آخرین مرحله کدگذاری، فرآیندی است که در آن همه مقولات حول مقوله محوری یکپارچه می شوند. ابعاد حاصله از مرحله کدگذاری محوری بسان اجزای پراکنده یک سیستم هستند که لازم است روابط میان آنها مشخص شود. این مرحله به دنبال اعتباربخشیدن به روابط میان مولفه های اصلی الگو است. پژوهشگر مقولات استخراج شده را به هم مرتبط می سازد و نظام نظری خاصی را ارائه می کند (Straus & Corbin, 1998). در کدگذاری انتخابی برای تشکیل یک آرایش نظری بزرگ تر، مقولات یکپارچه می شوند، به طوری که نتایج پژوهش، شکل نظریه پیدا کنند. این روند شامل چند گام است: اولین قدم متضمن توضیح خط اصلی داستان است. گام دوم ربط دادن مقولات تکمیلی بر گرد مقوله اصلی با استفاده از یک پارادایم. گام سوم مرتبط ساختن مقولات به یکدیگر در سطح بعدی است. گام چهارم به تایید رساندن آن روابط در قبال داده هاست. آخرین قدم تکمیل مقولاتی است که اصلاح یا نیاز به بسط و گسترش دارند (Jones & Allony, 2011).

شکل گیری نظریه و چارچوب مفهومی

برخی از پژوهشگران مرحله کدگذاری انتخابی را آخرین مرحله الگوسازی نمی دانند. این مرحله نسبت به مرحله کدگذاری انتخابی پا را فراتر می گذارد و سعی در شناسایی روابط بین مقوله ها دارد تا بر این اساس ضمن ایجاد تئوری کامل تر الگوی نهایی استخراج شود. در این مرحله پژوهشگر با پالایش یافته های قبلی و با طی فرآیندهای رفت و برگشت بر روی داده ها و دستاوردهای پژوهش در مراحل قبلی به دنبال شناسایی ارتباط بین مقولات است. این ارتباطات در تئوری ساخته شده به شکل قضیه هایی قابل ذکر هستند. قضیه های استخراج شده را که در الگو به شکل ارتباط میان مقولات نشان داده شده است می توان به شکل فرضیه در آزمون الگوی استخراج شده مورد اندازه گیری قرار داد. باید توجه داشت ساختن و تدوین مفاهیم، مقوله ها و قضیه ها در نظریه مبنای گردشی است؛ به عبارت دیگر پژوهشگر در انجام پژوهش دائماً برای اصلاح، تغییر و دست یافتن به نظریه ای مناسب که به کمک آن تبیینی از روابط مشاهده شده به دست دهد، به مراحل قبلی باز می گردد (Straus & Corbin, 1990).

1. Selective Coding



شکل ۲: چارچوب مفهومی پاسخگویی در شبکه‌های تدوین خط‌مشی عمومی مبتنی بر نظر خبرگان (یافته‌های پژوهش)

با بررسی نتایج حاصل از فرآیندهای کدگذاری مشخص شد که عواملی همچون درجه فرهنگ مشارکت و مطالبه‌گری جمعی، درجه توسعه اقتصادی، ظرفیت دولت و درجه آزادی رسانه‌ها می‌توانند بر روی پاسخگویی شبکه‌ها تأثیرات منفی یا مثبت داشته باشند ولی در اثر مستقیم همانند عوامل علی نیستند و در نتیجه در این پژوهش به‌عنوان زمینه و شرایط مداخله‌گر دسته‌بندی شدند. عوامل زمینه‌ای در دو دسته کلی شامل درجه فرهنگ مشارکت و مطالبه‌گری جمعی و درجه توسعه اقتصادی و شرایط مداخله‌گر در دو دسته کلی درجه آزادی رسانه‌ها و ظرفیت دولت دسته‌بندی شدند. از منظر خبرگان عوامل فرهنگی همچون عدم تمایل به کار گروهی و فقدان فرهنگ مطالبه‌گری در جامعه موجب شده است تا شهروندان تمایل کمتری برای حضور در امور مشارکتی جامعه داشته باشند. همچنین از نظر خبرگان تنوع جمعیتی به‌عنوان عاملی اجتماعی در ایران وجود دارد و افراد مختلفی را با گویش‌ها و فرهنگ‌های متفاوت در کنار هم قرار داده است و در نتیجه کار گروهی را کمی سخت کرده است و می‌تواند به‌عنوان عامل بازدارنده عمل کند. از سوی دیگر عواملی همچون عدم توسعه اقتصادی و وضع نامطلوب اقتصادی موجب شده است امری همانند مشارکت در امور جامعه همانند کالایی لوکس در اولویت فعالیت‌های افراد نباشد.

همچنین دو عامل دیگر از جمله درجه آزادی رسانه‌ها و ظرفیت دولت را نیز به‌عنوان عوامل مداخله‌گر خبرگان نام بردند. ظرفیت دولت در زمینه نهادسازی و داشتن امکانات لازم جهت آماده‌سازی بخش مدنی و خصوصی برای حضور در شبکه‌های خطمشی‌گذاری، ظرفیت دولت در زمینه آموزش بخش دوم و سوم و عمق‌بخشیدن به آگاهی شهروندان در کنار توانایی دولت در زمینه هدایت و راهبری شبکه‌ها به‌عنوان عامل مداخله‌گر مهمی در رابطه بین عوامل علی و پاسخگوشدن شبکه‌های خطمشی از سوی خبرگان بیان شدند. همچنین درجه آزادی رسانه‌ها که شامل وجود رسانه‌های متعدد آزاد و عدم وابستگی آنها به نهادهای دولتی عامل واسطه‌ای مهمی است تا رسانه‌ها بتوانند به‌عنوان بخشی از جامعه مدنی نقش خود را در زمینه اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و بسیج افکار مردمی به‌درستی ایفا کنند.

خبرگان در مصاحبه‌ها به این موضوع اشاره کردند که ظرفیت جامعه مدنی شامل وجود احزاب رقیب و بخش خصوصی توانمند و سطح بلوغ سیاسی جامعه عامل مهمی برای حضور جامعه مدنی در جامعه و ایجاد اثربخشی در فرآیند خطمشی‌گذاری است و به‌عنوان عامل واسطه‌ای دسته‌بندی می‌شود. وجود احزاب از سویی موجب می‌شود تا افراد در حزب رشد پیدا کرده و با شناسنامه و مرام مشخص و دیدگاه‌های قابل دفاع و آگاهی لازم نسبت به مسائل جامعه اعتماد به نفس و توانایی لازم برای ورود به فرآیندهای خطمشی‌گذاری را پیدا کنند و همچنین از طریق احزاب به فعالیت‌های جمعی جهت درستی داده می‌شود و به‌جای حرکت هیجانی و صرفاً کوتاه‌مدت تبدیل به رفتاری بلندمدت و اثرگذار خواهد شد. از سوی دیگر روی کارآمدن مسئولان از سوی حزبی خاص و نه ائتلاف‌های موقتی موجب می‌شود تا فرد به چارچوب‌های خاصی مقید شود و حزب نیز در موارد لزوم نسبت به فعالیت‌های فرد پاسخگو خواهد بود و از آنجا که فرد دارای شناسنامه مشخصی است حزب نمی‌تواند از زیر مسئولیت‌های خود شانه خالی کند و خود به‌عنوان ابزاری در جهت پاسخگویی عمل خواهد کرد.

خبرگان پژوهش معتقدند عوامل تغییر در افکار حاکمان، کوچک‌سازی دولت و تغییر نقش آن از پاروزنی به سمت هدایت و امور حاکمیتی همراه با میزان دموکراتیک‌بودن نظام سیاسی حاکم که در اینجا به‌عنوان تعالی حاکمیتی نام گرفته‌اند اثر مثبتی بر پاسخگویی شبکه‌های خطمشی دارد و به‌عنوان شرایط علی دسته‌بندی می‌شود. از نظر نخبگان تا زمانی که در افکار غالب حاکمان تغییراتی برای پذیرش نقش بخش دوم و سوم حاصل نشود این نوع از خطمشی‌گذاری رسمیت نخواهد یافت و در نتیجه پاسخگویی آنها نیز شکل نخواهد گرفت.

از نظر خبرگان وجود شهروندان آگاه و متعهد و مطالبه‌گر کمک می‌کند که آنها نسبت به

حقوق و مسئولیت‌های خود آگاهی کافی داشته باشند و در نتیجه با آگاهی و حس مسئولیت‌پذیری وارد فرآیند خطمشی‌گذاری شوند. زیرا در صورتی که افراد نسبت به مسائل آگاه نباشند یا آگاه باشند اما حس مطالبه‌گری نداشته باشند، وارد فعالیت‌های اجتماعی نخواهند شد و نقشی در زمینه پاسخگوسازی شبکه‌های خطمشی ایفا نخواهند کرد که این دو عامل با عنوان شهروندی فعالانه در این پژوهش نامیده شدند. همچنین به‌نظر خبرگان، جامعه مدنی نقش مهمی در زمینه پاسخگوسازی شبکه‌های خطمشی دارد و فشارهایی که از سوی رسانه‌های فعال و منتقد وارد می‌شود همراه با نقش فعالانه احزاب رقیب موجب می‌شود تا شبکه‌ها مجبور به پاسخگویی شوند. همچنین جامعه مدنی در صورتی که توانمند باشد و نقش فعالانه‌ای داشته باشد در کنار احزاب و رسانه‌ها نقش مهمی در پاسخگوسازی شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی ایفا خواهد کرد. همچنین عامل مهم دیگر در این زمینه میزان بلوغ سیاسی شهروندان است که بر میزان درک آنها نسبت به مسائل اجتماعی و نوع برخورد آنها اثرگذار است.

از دیدگاه خبرگان، وجود زیرساخت‌های قانونی و الکترونیک از جمله شرایط علی موثر بر پاسخگویی شبکه‌های خطمشی عمومی هستند. از سویی، نیاز است که از طریق وجود زیرساخت‌های الکترونیک و فنی موردنیاز دسترسی گسترده به فرآیندهای شبکه‌ها فراهم شود. از سوی دیگر، نیاز است تا قوانین لازم برای رسمیت‌بخشی به شبکه‌های خطمشی عمومی و مشخص‌سازی نحوه، نوع و حدود فعالیت‌های آنها تدوین و اجرا شود.

خبرگان به این موضوع اذعان داشتند که به‌منظور سنجش میزان پاسخگویی شبکه‌های خطمشی از ابعاد شفافیت، ارزشیابی، نمایندگی تخصصی فراگیر و سیستم نظارت و پایش می‌توان بهره‌گیری کرد. شفافیت در شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی از دید خبرگان بدین‌معنی است که اطلاع‌رسانی مناسب و کاملی از اطلاعات و فرآیندهای موجود در شبکه انجام گیرد. همچنین لازم است که تمامی ذی‌نفعان نسبت به شبکه‌ها و رصد اطلاعات خطمشی‌های آنها دسترسی داشته باشند و جز در برخی موارد که مسائل امنیتی و خاص در شبکه‌ها مطرح می‌شود باید دسترسی کامل به اطلاعات شبکه از سوی تمامی ذی‌نفعان وجود داشته باشد. همچنین به‌منظور وجود شفافیت در شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی بنا به نظر خبرگان نیاز است که فرآیندهای خطمشی‌گذاری در شبکه‌ها از جمله دستورگذاری، بررسی راه‌حل‌های پیشنهادی، تصمیم‌گیری نهایی و... مشخص و روشن باشد.

همچنین در سیستم‌های پاسخگو بنا به نظر خبرگان نیاز است که سیستم ارزشیابی عملکرد وجود داشته باشد. بدین‌منظور نیاز است تا در شبکه‌ها، خطمشی ارزشیابی تدوین شود تا بر اساس

آن شبکه ارزشیابی شود. همچنین به‌منظور ارزشیابی مناسب نیاز است تا معیارهایی از قبل طراحی شود و بر اساس آن معیارها که می‌توانند کمی یا کیفی باشند، عملکرد شبکه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین از جمله عوامل دیگر تشکیل‌دهنده پاسخگویی شبکه‌ها وجود سیستم نمایندگی مناسب است. از دیدگاه نخبگان، سیستم نمایندگی تخصصی فراگیر شامل انتخاب اعضای شبکه که شامل نمایندگان نهادهای مختلف هستند، باید بر اساس معیارهایی همچون شایستگی و ویژگی‌های فردی و بر اساس نیاز تخصصی شبکه انتخاب شوند و تمامی ذی‌نفعان شبکه بتوانند نماینده‌ای در شبکه داشته باشند و بدین ترتیب شبکه‌ها نماینده تمامی نهادهای ذی‌نفع باشند.

همچنین نخبگان بر این مسئله تاکید داشتند که نیاز است که در شبکه‌ها بنا بر تعریف پاسخگویی که شامل وجود مواجهه‌شدن با تشویق و تنبیه در صورت بروز اشتباهات است. بدین‌منظور نیاز است که در شبکه‌ها نیز سیستم نظارت و پایش طراحی شود و این اطمینان حاصل شود که ضمانت اجرایی لازم جهت اعمال تشویق و تنبیه‌ها وجود دارد.

از نظر خبرگان هدایت و مدیریت شبکه‌ها از طریق نهادهای دولتی، برگزاری نشست‌های رای‌جویی روشنگرایانه، تصمیم‌گیری باز و مشارکتی و نظارت جامع بر شبکه‌ها از جمله راهبردهای پاسخگوسازی شبکه خطمشی عمومی هستند. اصولی و علمی بودن فرآیند خطمشی‌گذاری شامل تصمیم‌گیری مبتنی بر مبانی و اصول علمی است که با وجود سیستم دریافت بازخورد و اصلاح تکمیل می‌شود و موجب می‌شود تصمیم شبکه‌ها مبتنی بر اصول علمی و درست باشد و زمینه پاسخگوسازی شبکه‌ها را فراهم آورد. همچنین نخبگان به این موضوع نیز اشاره داشتند که مهم است که تصمیم بر اساس اجماع حداکثری اعضا و در نتیجه بحث و تبادل نظر طولانی شکل گیرد و به‌جای تصمیم مبتنی بر رای‌گیری، تصمیم حاصل اجماع همه باشد تا همه خود را نسبت به آن مسئول بدانند و به بهانه مخالف‌بودن با آن از پاسخگویی سر باز نزنند. خبرگان اعتقاد داشتند که در کنار شبکه‌ها بهتر است نهاد مستقل قانونی شکل گیرد که به بررسی و نظارت بر آنها بدون دخالت مستقیم بپردازد و شبکه‌ها را از نظر درست‌بودن فرایندها بررسی کند تا حداقل از جهت شکلی درست عمل کنند و در صورت بروز اشتباهات تذکرات لازم را در جهت اصلاح به آنها بدهد. همچنین خبرگان معتقدند در این زمینه به‌خوبی می‌توان از ظرفیت جامعه مدنی برای نظارت بر شبکه‌ها استفاده کرد. و بدین ترتیب نظارت از طریق نهاد مستقل و جامعه مدنی منجر به پاسخگوشدن شبکه‌های خطمشی خواهد شد. همچنین بهره‌گیری از جلسات پرسش و پاسخ از شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی به‌صورت عمومی و با حضور نمایندگان تمامی ذی‌نفعان شبکه که در این پژوهش نشست رای‌جویی روشنگرایانه نامیده شده است از جمله راهبردهایی است که

می‌تواند منجر به پاسخگویی شبکه‌های خطامشی عمومی شود.

خبرگان معتقدند زمانی که شبکه‌های تدوین خطامشی عمومی شکل بگیرند و پاسخگو باشند نتایجی را به بار خواهند آورد. در وهله نخست حضور نمایندگان بخش دوم و سوم در فرآیندهای خطامشی‌گذاری در صورتی که از بین نخبگان و افراد دارای دانش و تجربه باشند، موجب افزایش کیفیت خطامشی‌های تدوین‌شده می‌شود زیرا از سوی افراد بیشتری به‌خصوص ذی‌نفعان آن بررسی می‌شود و از آن جهت که راه‌حل‌ها مورد تایید ذی‌نفعان و گروه‌های درگیر در مسئله است موجب می‌شود در مرحله اجرا نیز شاهد اجرای کامل‌تر خطامشی‌ها همراه با اصلاحات کمتری باشیم و بدین ترتیب کیفیت خطامشی‌های تدوین‌شده افزایش می‌یابد. همچنین خبرگان معتقد هستند که مشارکت شهروندان در خطامشی‌گذاری از طریق شبکه‌های خطامشی موجب خواهد شد تا مشارکت در جامعه شکل بگیرد و تقویت شود و در نهایت می‌تواند به تعمیق دموکراسی منجر شود.

همچنین شکل‌گیری شبکه‌های تدوین خطامشی عمومی و حضور بخش دوم و سوم در این شبکه‌ها و مشارکت آنها در فرآیند خطامشی‌گذاری موجب خواهد شد تا در جامعه نسبت به حاکمیت حس اعتماد شکل بگیرد و حس تعهد و پیوستگی در جامعه ایجاد و تقویت شود. همچنین می‌تواند با بازی‌دادن شهروندان در فرآیندهای خطامشی‌گذاری و پاسخگوبودن شبکه‌های تدوین خطامشی عمومی منجر به تقویت رضایت عمومی شهروندان شود.

مقایسه یافته‌های پژوهش با ادبیات نظری

در این قسمت یافته‌های حاصل از تحلیل کیفی (شکل ۲) با مبانی نظری مطرح‌شده در فصل دوم رساله مقایسه شده است و در قالب جدول (۸)، شباهت‌های یافته‌ها و مبانی نظری مطرح‌شده در خصوص پاسخگویی و نه لزوماً پاسخگویی شبکه‌های خطامشی نشان داده شده است.

جدول ۸: مقایسه نتایج با مبانی نظری

مبانی نظری و پیشینه پژوهش	مبانی مقایسه	چارچوب مبتنی بر GT
شفافیت، مشارکت، ارزیابی و سازوکار شکایت و واکنش (بانک جهانی، ۲۰۰۱)؛	سنجش پاسخگویی	سازوکارهای شفافیت: اطلاع‌رسانی، دسترسی به اطلاعات، روشن و مشخص بودن فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری در شبکه
نماینده‌گی مناسب، مشارکت شهروندان، رفتار قانونی و الزام به تعهد (دیزای و همکاران، ۲۰۰۹)		سازوکار ارزشیابی: تدوین خط‌مشی ارزشیابی شبکه‌های خط‌مشی، تدوین معیارهای ارزیابی عملکرد
		نماینده‌گی تخصصی و فراگیر: انتخاب اعضا بر مبنای ویژگی‌های فردی مناسب و توانایی‌های تخصصی موردنیاز شبکه، حضور نمایندگان مورد تایید تمامی ذی‌نفعان شبکه
		نظارت و پایش: پیش‌بینی سیستم تشویق و تنبیه اعضای شبکه، وجود ضمانت اجرایی اعمال تشویق و تنبیه، پیش‌بینی سیستم رسمی و غیررسمی شکایت از شبکه‌ها
اطلاع‌رسانی کارآمد و شفافیت (علیخانی، ۱۳۸۴)		زیرساخت‌های قانونی و الکترونیک:
ایجاد چشم‌انداز و اهداف جمعی (جد و بیکسلر، ۲۰۱۵)		زیرساخت‌های الکترونیک و فناوری اطلاعات، زیرساخت‌های قانونی تاسیس و فعالیت شبکه‌ها
وجود هنجارهای مشترک (رومzek و دیگران، ۲۰۱۲)		تعالی حاکمیتی: تغییر در افکار حاکمان، تغییر نقش دولت و کوچک‌سازی آن، میزان دموکراتیک‌بودن نظام سیاسی حاکم
بازرسی، اصلاح اداری و شایسته‌سالاری (رفیع‌زاده و منوریان، ۱۳۸۸)	متغیرهای مستقل (تاثیرگذار)	فشار جامعه مدنی: نقش فعال رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی و یکپارچه‌سازی ذی‌نفعان، فشار احزاب سیاسی رقیب و تشکل‌های مردمی، بلوغ سیاسی جامعه، جامعه مدنی فعال و توانمند در زمینه مشارکت در مسائل جامعه
رسانه‌های عمومی به‌خصوص تلویزیون (متانی و حسن‌پور، ۱۳۹۳)		شهروندی فعالانه: وجود شهروندان آگاه، وجود داشتن اخلاق حرفه‌ای (شاهین‌مهر و حسنی، ۱۳۹۴)
مشارکت واقعی شهروندان، شفافیت، در دسترس قرارگرفتن اطلاعات (آکرمن، ۲۰۰۳)		
شهروندی فعالانه (پورعزت و دیگران، ۱۳۸۸)؛		
داشتن اخلاق حرفه‌ای		
(شاهین‌مهر و حسنی، ۱۳۹۴)		

1. Desai *et al.*
2. Jedd & Bixler
3. Romzek
4. Aukerman

ادامه جدول ۸: مقایسه نتایج با مبانی نظری

مبانی نظری و پیشینه پژوهش	مبانی مقایسه	چارچوب مبتنی بر GT
آزاد و مستقل بودن رسانه‌ها (متانی و حسن‌پور، ۱۳۹۳)	متغیرهای میانجی	درجه آزادی رسانه‌ها: وجود رسانه‌های آزاد و عدم سانسور اخبار، عدم وابستگی رسانه‌ها به نهادهای دولتی
نقش دولت در شکل‌گیری مشارکت در جامعه (رحمت‌الهی و آقایی، ۱۳۹۲)		ظرفیت دولت: ظرفیت نهادهای، ظرفیت راهبری، ظرفیت تعمیق آگاهی شهروندان
وجود فرهنگ پاسخ‌خواهی، نقش فعال رسانه‌ها (علیخانی، ۱۳۸۴)	متغیرهای زمینه	درجه فرهنگ مشارکت و مطالبه‌گری جمعی: فقدان فرهنگ مشارکت و جمع‌گرایی، میل به مطالبه‌گری در شهروندان و فرهنگ مطالبه‌گری، باور به منافع جمعی
دسترسی به اطلاعات، رسانه‌ها، ظرفیت جامعه مدنی، ظرفیت دولت، همکاری بین اجتماع و دولت، نهادگرایی (بانک جهانی، ۲۰۱۲)		درجه توسعه اقتصادی: وابستگی درآمدهای دولت به منابع طبیعی، عدم برطرف شدن نیازهای اولیه اقتصادی
سطح رفاه و وضعیت اقتصادی (پورعزت و دیگران، ۱۳۸۸)		
رضایتمندی شهروندی، اعتماد عمومی، شفافیت و مشروعیت (متانی و حسن‌پور، ۱۳۹۳)	پیامدهای پاسخگویی	کیفیت خط‌مشی‌گذاری: افزایش کیفیت خط‌مشی‌های تدوین‌شده، افزایش احتمال اجرای درست خط‌مشی‌ها
تقویت اعتماد عمومی و مشارکت عمومی (منوریان و دیگران، ۱۳۸۸)		نشاط اجتماعی: افزایش اعتماد جامعه به حاکمیت، رضایت مردمی، ایجاد حس تعهد و پیوستگی در جامعه
		تعالی سیاسی جامعه: تقویت و شکل‌گیری مشارکت عمومی، تعمیق دموکراسی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

طی چند دهه گذشته، دانشمندان مهم‌ترین تغییر در دولت‌های حاکم بر جوامع را مطرح‌شدن موضوع «حاکمیت» می‌دانند که به مطرح‌شدن نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی منجر شده است (Peters & Pierr, 2003). به‌زعم آنها منظور از حاکمیت، فرآیند تعریف اهداف جمعی، تعیین اولویت‌های سیاسی و تامین منابع از نقش‌آفرینان مختلف برای نیل به اهداف است. بنابراین، حاکمیت دیدگاهی است که برای دولت^۱ نقش راهبری و هماهنگی قائل است و بر این مفروضه استوار نیست که تنها دولت باید بر جامعه حکومت کند.

1. State

پاسخگویی یکی از مسائل کلیدی در حاکمیت معاصر است. سه دلیل عمده آن عبارتند از:

۱. هرچند نهادهای سیاسی یکی از جنبه‌های مهم حاکمیت هستند، اما در حاکمیت تأکید بر فرآیند است نه نهادها. حاکمیت ناظر بر ایجاد فرآیندهایی است که از طریق آنها نقش‌آفرینان جامعه بتوانند در اداره جامعه به روش دموکراتیک‌تری همکاری داشته باشند. بعضی از این نقش‌آفرینان که از طریق انتخابات برگزیده شده‌اند، می‌توانند به روش‌های سنتی پاسخگو باشند، اما دیگر نقش‌آفرینان (از بخش‌های غیردولتی) در فرآیند خط‌مشی‌گذاری چگونه باید پاسخگو باشند؟

طرفداران مدیریت دولتی نوین بر این باورند که حاکمیت در حقیقت یک سیستم شفاف برای پاسخگویی دارد و آن انتخاب مشتری است که سیگنال روشنی را در خصوص انتظارات مشتری ارسال می‌کند. در این دیدمان، پاسخگویی بیشتر بر مبنای عملکرد - محور تعریف می‌شود. به سخن دیگر، مدیریت دولتی نوین بر «ذی‌نفع‌گرایی»^۱ به‌عنوان الگوی جایگزین پاسخگویی در حاکمیت تأکید دارد. مشکل این الگو پاسخگویی آن است که تنها بر یک جنبه از آنچه دولت انجام می‌دهد، نظر دارد و آن تحویل خدمات دولتی است، و دیگر بخش‌های فعالیت دولت مانند اعمال قدرت سیاسی را نادیده می‌گیرد. به‌علاوه، تمامی این الگوها ناظر بر انگاره‌های سنتی از حاکمیت حزبی هستند، در صورتی که در الگوی حاکمیتی ما نیازمند تعریف الگوهای نوین پاسخگویی سیاسی هستیم.

۲. حاکمیت با تمرکز بر عملکرد، هم از نظر خدمات دولتی و هم از نظر یافتن راه‌های جایگزین و منابع سیاسی برای دولت برای حفظ ظرفیت راهبری، به‌عنوان یک دیدگاه مهم ظهور پیدا کرده است. هر چند نباید حاکمیت را با مدیریت دولتی نوین اشتباه گرفت، اما هر دو بر اهمیت عملکرد تأکید دارند (Peters, 1998). یکی از پیامدهای تأکید بر عملکرد انفرادی سازمان‌ها و مدیران، ظهور ناسازگاری فزاینده در خط‌مشی‌ها و اقدامات درون‌دولتی است. بنابراین، ایجاد حاکمیت موثر برای مردم چندان راحت نیست.
۳. مشکل سوم، مربوط به ظهور تصویر دولت تواناساز^۲ در حاکمیت است. این اصطلاح ناظر بر آن است که امروزه دولت بیشتر در نقش راهبری ظاهر می‌شود تا پارو زنی. امروزه، دولت تلاش می‌کند منابعی را که از سوی نقش‌آفرینان مختلف رصد می‌شوند، در مسیر اهداف جمعی جامعه هدایت و سرمایه‌گذاری کند. بنابراین، باید پرسید در چنین دولتی چگونه باید مفهوم پاسخگویی تعریف شود؟

در این پژوهش به‌منظور تبیین پاسخگویی در شبکه‌های خط‌مشی عمومی، تعریف و سنجش پاسخگویی، عوامل موثر بر پاسخگویی شبکه‌های تدوین خط‌مشی عمومی و پیامد حاصل از آن

1. Stakeholderism
2. The Enabling State

مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به تنوع مفاهیم و پیچیدگی و مبهم و پنهان بودن جنبه‌های مختلف آنها، برای طراحی الگو از روش تئوری پردازی داده‌بنیاد استفاده شد. بدین منظور از ۱۵ خبره مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام پذیرفت و پس از تکمیل مصاحبه‌ها، مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد و الگوی نهایی در قالب پارادایم کدگذاری استراوس و کوربین ارائه شد. در این الگو ویژگی‌های پاسخگویی در شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی در قالب سازوکار شفافیت، سازوکار ارزشیابی، سیستم نظارت و پایش و نمایندگی تخصصی فراگیر با پشته‌ها ۱۵۴ کد اولیه و ۱۰ مفهوم استخراج شده است.

همچنین عوامل موثر بر پاسخگویی شبکه خطمشی عمومی در سه بُعد (۱) شرایط علی شامل: تعالی حاکمیتی، زیرساخت‌های قانونی و الکترونیک، فشار جامعه مدنی و شهروندی فعالانه؛ (۲) شرایط مداخله‌گر شامل: درجه آزادی رسانه‌ها و ظرفیت دولت؛ (۳) زمینه‌ها شامل: درجه فرهنگ مشارکت و مطالبه‌گری جمعی و درجه توسعه اقتصادی با پشته‌ها ۴۸۴ کد اولیه و ۲۱ مفهوم ارائه شد. راهبردهای پاسخگوسازی شبکه‌های خطمشی شامل: هدایت و مدیریت شبکه‌ها از طریق نهادهای دولتی، برگزاری نشست‌های روشن‌گرایانه، تصمیم‌گیری باز و مشارکتی و نظارت جامع بر شبکه‌ها با پشته‌ها ۸۹ کد اولیه و هشت مفهوم ارائه شد. پیامدهای پاسخگویی شبکه‌های تدوین خطمشی عمومی شامل: تعالی سیاسی جامعه، کیفیت خطمشی‌گذاری و نشاط اجتماعی به پشته‌ها ۷۳ کد اولیه و هفت مفهوم استخراج شده شناسایی شد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، توصیه می‌شود خطمشی‌گذاران در سطح ملی به موازات حرکت به سوی ایجاد شبکه‌های خطمشی و استقرار خطمشی‌گذاری مشارکتی، از راهبردهایی مانند نشست‌های روشن‌گرانه، تلفیق سازوکارهای حاکمیت سلسله‌مراتبی و شبکه‌ای برای پاسخگو نگه داشتن شبکه‌ها استفاده کند. در ضمن، ضروری است سازوکارهای پاسخگویی با رویکرد ۳۶۰ درجه‌ای دنبال شود تا انواع پاسخگویی‌های درونی و بیرونی را پوشش دهد. همانند تمامی پژوهشگران کیفی نباید از محدودیت ذاتی مصاحبه غافل بود که ادراک افراد از واقعیت را مورد سنجش قرار می‌دهد. از آنجا که شرایط کشورهای در حال توسعه با هم متفاوت است، از این رو در تعمیم نتایج این پژوهش به دیگر کشورها باید جانب احتیاط را رعایت کرد. در ضمن، بر مبنای چارچوب احصاشده می‌توان الگوهای مختلفی را از طریق تلفیق با مبانی نظری احصا و در شبکه‌های خطمشی‌گذاری مختلف مورد آزمون قرار داد. بنابراین، بررسی روابط بین متغیرهای تاثیرگذار و متغیر وابسته (پاسخگویی در شبکه) با لحاظ کردن متغیرهای مداخله‌گر (میانجی) و تعدیل‌کننده (شرایط زمینه‌ای) در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود.

منابع:

- Armstrong, A. & Francis, R. (2004). The Role of Community Governance in Public Sector Programs and Initiatives, In *Integrated Governance: Linking up Government, Business & Civil Society*, ed. Coghill, K., Monash Governance Research Unit, Prato, Italy.
- Benner, T.; Reinicke, W. H. & Witte, J. M. (2004). Multisectoral Networks in Global Governance: Towards a Pluralistic System of Accountability, *Government and Opposition*, 39(2), pp. 191-210.
- Bovens, M. (2006). Accountability, Part of the Oxford Handbook of Public Management, Oxford: Oxford University Press.
- Bovens, M. (2006). *Analysing and Assessing Public Accountability: A Conceptual Framework*. European Governance Papers (EUROGOV), No. C-06-01.
- Cordella, A. & Willcocks, L. (2010). Outsourcing, Bureaucracy and Public Value: Reappraising the Notion of the "Contract State". *Government Information Quarterly*, 27(1), pp. 82-88.
- Creswell, J. W. (2012). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (4nd edition).
- Desai, P Jay, Founder, CEO. 2009. The Power of Public Accountability, Universal Consulting India Put Ltd.
- Doberstein, C. (2013). Metagovernance of Urban Governance Networks in Canada: In Pursis of Legitimacy. *Canada Public Administration*, 56(4), pp. 584-609.
- Doberstein, C. (2016). Designing Collaborative Governance Decision-making in Search of a "Collaborative Advantage". *Public Management Review*, 18(6), pp. 819-841.
- Fishkin, J. S. (1991). *Democracy and Deliberation: New Directions for Democratic Reform*, Yale University Press.
- Flint, L. J. (2002). *Stories of Success: Self-interventions of Gifted Underachievers*. Unpublished Doctoral Dissertation. University of Georgia, Athens.
- Frank, O. & Snijders, T. (1994). Estimating the Size of Hidden Populations Using Snowball Sampling. *J. Off. Stat.* 10, pp. 53-67.
- Gili, S.; Jang, D. Y. S. & Meyer, J. W. (2006). Sources of Rationalized Governance: Cross National Longitudinal Analyses, 1985-2002. *Administrative Science Quarterly*, 51(2), pp. 205-229.
- Gong, Y. & Janssen, M. (2012). From Policy Implementation to Business Process Management: Principles for Creating Flexibility and Agility. *Government Information Quarterly*, 29(1), 61S71.
- Heckathorn, D. (1997). Respondent Driven Sampling: A New Approach to the

- Study of Hidden Populations. Soc. Probl. 2(44), pp. 174-199.
- Janssen, M. & Van der Voort, H. (2016). Adaptive Governance: Towards a Stable, Accountable and Responsive Government. *Government Information Quarterly*, 33(1), pp. 1-5.
- Jedd, Theresa & Bixler, Patrick (2015). Accountability in Networked Governance: Learning from a Case of Landscape-scale Forest Conservation. *Environmental Policy and Governance*, 25, pp. 172-187.
- Jones, M. & Alony, I. (2011). Guiding the Use of Grounded Theory in Doctoral Studies-An Example from the Australian Film Industry. *Int J Dr Stud* 6, pp. 95-114.
- Kjaer, A. M. (2008). Governance: Key Concepts, Cambridge, Polity Press.
- Kobila, J. C., Asim Zia and Mills, R. m. 2011. Accountability in Governance Networks: An Assessment of Public, Private and Nonprofit Energy Management Practices Following Hurricane Katrina. *Public Administration Review*.
- Kooiman, J. (1993). Modern Governance: New Government-society Interaction. Sage.
- Lee, M. (2001). A Refusal to Define HRD. *Human Resource Development International*, 4(3), pp. 327-342.
- Lincoln, Y. & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*, 1st edn, Sage Publications, Beverly Hills.
- Lock, K. (2003). *Grounded Theory in Management Research*. London: SAGE Publications.
- Peters, B. G. (1998). Managing Horizontal Government: The Politics of Coordination. *Research Paper No. 21*. Ottawa: Canadian Centre for Management Development.
- Peters, B. G. & Pierre, J. (2003). *The Sage Handbook of Public Administration*, London: Sage.
- Rhodes, R. A. W. (1996). The New Governance: Governing without Government. *Political Studies*, 44(4), pp. 652-667.
- Rhodes, R. A. W. (1997). Understanding Governance: Policy Networks, Governance, Reflexivity and Accountability. Open University press.
- Rhodes, R. A. W. (2006). Policy Network Analysis. In M. Moran, M. Rein & R. E. Goodin (Eds.), *The Oxford Handbook of Public Policy*. New York: Oxford University Press.
- Roman, D. j.; Osinski, M. & Erdmann, R, H, (2017). The Construction Process of Grounded Theory in Administration. *Contaduría Administración*, 62, pp. 985-1000.
- Romzek, B. S.; LeRoux, K. & Blackmar, J. (2009). Presented at the 10th

- National Public Management Research Conference, John Glenn School of Public Affairs, Ohio State University, Columbus, OH, Oct. 1-3.
- Sabatier, P. A. & Weible, C. M. (2007). Theories of the Policy Process, 3rd Edition, Colorado: Westview Press.
- Strauss, A. L. & Corbin, J. (1990). Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Sorensen, Eva, and Jacob Torfing. 2005. Scandinavia Political Studies. 28(3), pp. 195-218.
- Theresa, J. & Bixler, P. (2015). Accountability in Networked Governance: Learning from Case of Landscape-scale Forest Conservation. *Environmental Policy and Governance*, 25, pp. 172-187.
- Wang, C.; Medagliaa, R. & Zhengb, L. (2017). Towards a Typology of Adaptive Governance in the Digital Government Context: The Role of Decision-making and Accountability. *Government Information Quarterly*, Available on Science Direct.

Accountability in Public Policy Networks

Farajollah Rahnavard¹ Associate Professor Department Management, Institute of Management and Planning Studies (Corresponding Author).

Tayyebah Bayati Chaleshtari² Student Administration and Public Policy, Institute of Management and Planning Studies.

Habibollah Taherpour Kalantari³ Assistant Professor Department Management, Institute of Management and Planning Studies.

Abbas Monavarian⁴ Professor Department Management, Faculty of Management, Tehran University.

Abstract

Policy networks consist of state and social actors whose interactions lead to the formulation and/or implementation of policies. One of the characteristics of networks is that power is usually distributed and lies in the relationships among actors. Therefore, network accountability can be problematic. The purpose of this study is to form a theoretical framework for accountability in public policy making networks. The qualitative method of grounded theory was applied. Statistical population consisted of experts who had sufficient knowledge and practical experience in policy making; interviews were conducted with fifteen of such experts. Findings indicate that, after developing policy networks, it is necessary to design both individual and collective accountability mechanisms for policy networks. Findings also show that state capacity building, citizens' demand, and civil society pressure are among the factors which affect the establishment of accountability in policy networks. If public policy networks are held accountable, an increase in the quality of the public policy process, enhanced social vitality and political excellence in the community will follow.

Keywords: Accountability, Policy Network, State Capacity, Civil Society, Citizens' Demand.

1. frahnavard@imps.ac.ir
2. t.bayati@imps.ac.ir
3. habtaherk@imps.ac.ir
4. monavar@ut.ac.ir